

# نظریه انسجام اسلامی

## در اندیشه امام خمینی تذکره\*

غلام حسن مقیمی \*\*

### چکیده

به لحاظ فراوانی کاربرد الفاظ در زبان امام خمینی تذکره، واژه وحدت و انسجام اسلامی، مهم‌ترین کلید واژه، در مباحث سیاست خارجی و روابط بین‌الملل اسلامی است. تا جایی که امروزه از ایشان به عنوان بزرگ‌ترین منادی وحدت اسلامی یاد می‌شود. اما آنچه در این مباحث مهم است، بازخوانی و بازسازی این الفاظ در قالب مدل نظری و ساختارمند نمودن آن بر اساس مبانی نظری اندیشه سیاسی امام خمینی تذکره است. این نوشتار می‌کوشد تا نظریه انسجام اسلامی را از میان عبارات امام خمینی تذکره استخراج و الگوسازی نماید.

واژه‌های کلیدی: نظریه انسجام اسلامی، امام خمینی تذکره، مبانی مفهومی.

تاریخ تأیید: ۸۶/۱۰/۲۸

\* تاریخ دریافت: ۸۶/۸/۱۸

\*\* عضو هیأت علمی مدرسه عالی امام خمینی تذکره قم.

## ۱. ضرورت و اهمیت

برای درک ضرورت و اهمیت وحدت و انسجام اسلامی، کافی است نیم‌نگاهی به تحولات اخیر نظام بین‌الملل از یک‌سو و اختلافات و تعصبات کور فرق و مذاهب اسلامی از سوی دیگر بیفکنیم. در سطح مناقشات بین‌الملل که چندین دهه پیاپی مبتنی بر بلوک‌بندی ایدئولوژی لیبرالیسم در برابر مکتب کمونیسم بوده است، کمونیسم در آستانه قرن بیست و یکم فرو پاشید. در پی آن، مناسبات نظام جهانی بر اساس نظریه نظریه‌پردازان خوش‌بین، «تک‌قطبی لیبرالی» و طبق اندیشه نظریه‌پردازان واقع‌گرا، «نزاع چند قطبی تمدنی» پیش‌بینی شده است. در این میان، آنچه بیش از همه برای دنیای اسلام اهمیت دارد، درک صحیح شرایط جدید هژمونی سلطه است. بی‌شک امروز نظام سلطه دوران گذار و فترت را تجربه می‌کند و لذا با خلق مفاهیمی از قبیل «تروریسم»، «پایان تاریخ»، «جنگ تمدنها» و «نظم نوین جهانی»، به دنبال پیدا نمودن الگوی جدیدی از بلوک‌بندی سلطه جهانی است. بدین لحاظ تحولات جدید خاورمیانه، بازگشت نئومحافظه‌کاران آمریکا به استعمار قدیم و نیز اشغال نظامی مناطق ژئوپلیتیک جهان اسلام، به طور آشکار و پنهان در مرزبندی جدید نظریه جنگ تمدنها نهفته است، که بدون رمزگشایی آن، ضرورت و اهمیت انسجام اسلامی قابل فهم نیست.

اما در سطح مناقشات فرقه‌ای جهانی اسلام، با کمال تأسف در سالهای اخیر، تعصبات کور و تحریک گروههای افراطی توسط سازمانهای مخوف اطلاعات، فرق و مذاهب اسلامی را عملاً به منازعات سازمانی کشانیده است. هم‌اکنون این مرزبندی سخت‌افزارانه، ظرفیتهای نرم‌افزارانه بالقوه مسلمانان را به تحلیل برده و موجب قتل، ترورهای متعدد و دست جمعی شده است. بدین لحاظ مسلمانان به جای همبستگی مذهبی در برابر دشمن مشترک، به دلائل برداشتهای عوامانه فرقه‌ای، سیاسی و ملی، در مقابل هم صف کشیدند. در چنین موقعیتی چه باید کرد؟ بی‌تردید توجه به انسجام اسلامی نه تنها حکایت از عمق چالشهای مذکور دارد، بلکه تنها نسخه بیماری مزمنی است که به تکرار توسط فریادگر بیداری اسلامی، امام راحل ره، طنین‌انداز شد و هم‌اکنون با توجه به تحولات منطقه‌ای و جهانی اهمیت آن، دو چندان شده است.

## ۲. طرح مسئله

از منظر امام خمینی ره، مهم‌ترین و کلیدی‌ترین اصل در سیاست خارجی درباره جهان اسلام، اصل وحدت و انسجام اسلامی است. به لحاظ فراوانی کاربرد الفاظ در لسان امام خمینی ره، بی‌تردید واژه وحدت اهمیت بسیاری دارد، تا جایی که امروزه از ایشان به عنوان یکی از بزرگ‌ترین منادیان وحدت و انسجام اسلامی یاد می‌شود. کثرت آثار محققانی که وحدت را از منظر امام خمینی ره بحث نموده‌اند شاهد بر مدعاست.

طرح

اما آنچه این قلم را وادار به نگارش نموده است، این سؤال اصلی است که آیا تأکیدات ایشان بر وحدت، از مبنای نظری منسجمی نیز پیروی می‌کند. آیا مفهوم همگرایی و انسجام اسلامی در اندیشه امام خمینی تقدّس، مبتنی بر مبادی و بنیانهای نظری است؟ آیا اساساً می‌توان فراوانی عبارات امام خمینی تقدّس در مورد مفهوم انسجام اسلامی را در قالب الگویی نظری ارائه نمود؟ سؤالات فوق و نظائر آن، مهم‌ترین دغدغه نظری این مقاله است.

فرضیه اجمالی این نوشته این است که امام خمینی تقدّس در طرح شعار انسجام اسلامی، صادق بوده و نیز هیچ گاه وحدت تاکتیکی، ملی و یا ایدئولوژیکی را مدنظر نداشته و لذا در طول تلاشهای وحدت‌گرایانه خود دچار سطحی‌نگری و کلی‌گویی نشده است و آن را به عنوان گونه‌ای راهبرد از متن مبانی دینی طرح کرده است که از میان سه مفهوم اسلام، استقلال و بیداری اسلامی قابل ردیابی است.

این نوشتار می‌کوشد تا ضمن توجه به مبانی و مبادی مفهومی بحث، نظریه و الگوی انسجام اسلامی از منظر امام خمینی تقدّس را معماری و جست‌وجو نماید و در ضمن مباحث راهکارهای عملی امام خمینی تقدّس، جهت تحقق آن را تحلیل کند.

### ۳. مفهوم انسجام اسلامی از منظر امام تقدّس

واژه انسجام اسلامی در برابر واگرایی اسلامی به معنای همبستگی، همراهی، هم‌آهنگی، وفاق و وحدت اسلامی است. کما اینکه همبستگی را به مشارکت، احساس تعلق و وابستگی دو یا چند چیز<sup>۱</sup> و همراهی را به همراه بودن در انجام کاری به طور هماهنگ<sup>۲</sup> و هماهنگی را به تناسب و سازگاری اجزای یک پدیده با پدیده دیگر و وفاق را توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد<sup>۳</sup> معنا کرده‌اند. مقصود از انسجام اسلامی، عبارت است از:

همکاری و تعاون پیروان مذاهب اسلامی بر اساس اصول مسلم و مشترک اسلامی و اتخاذ موضع واحد برای تحقق اهداف عالیه امن اسلامی و موضع‌گیری واحد در برابر دشمنان اسلام و احترام به التزام قلبی و عملی هر یک از مسلمانان به مذهب خود.<sup>۴</sup>

بنابراین، انسجام اسلامی به معنای همگرایی پیروان مذاهب مختلف در عین وجود اختلافات مذهبی است، چرا که حذف اختلاف و تنوع فکری و مذهبی نه ممکن است و نه مطلوب. آنچه مطلوب و شدنی است، یافتن راهبردهای نظری و عملی برای مدیریت صحیح پدیده تعدد باورهای مذهبی و جلوگیری از آسیبها و پیامدهای زیانبار واگرایی اسلامی است. بنابراین، پذیرش حضور دیگری و به رسمیت شناختن اختلاف و تنوع افکار را باید نخستین و چه بسا مهم‌ترین گام و مبنای اندیشه وحدت به شمار آورد<sup>۵</sup> بررسی آثار امام خمینی تقدّس بیانگر

این مطلب است که تأکید وی به وحدت چنین مبنایی دارد. وی با نگاهی به اوضاع اجتماعی حاکم می‌فرماید: «رمز تمام گرفتاریهای کشورهای اسلامی، اختلاف و عدم هماهنگی است و رمز پیروزی، وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی.»<sup>۴</sup> ایشان ضمن پذیرش اختلافات مذهبی آن را مانع همبستگی در برابر دشمن خارجی نمی‌دانند: «البته سنی و شیعه در عقاید، در بسیاری از عقاید، مختلف‌اند... آزادند... عقاید مختلف اسباب اختلافات خارجی چرا بشود.»<sup>۵</sup> بدین لحاظ از منظر ایشان «طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی از جنایاتی است که قدرتمندان... دامن می‌زنند»<sup>۶</sup> و به طور کلی «وحدت را برای حفظ کیان اسلام، گسترش اسلام عزیز و قدرتمند کردن جهان اسلام امری حیاتی می‌دانند»<sup>۷</sup>

۱. از این رو، از منظر امام خمینی رحمته‌الله وحدت ایدئولوژیکی وحدتی آرمانی و مطلوب است که در سطح مذاهب اسلامی، نه عملی، نه مطلوب و نه مطابق سیره علوی است. آنچه مطلوب و شدنی است، وحدت استراتژیکی به معنای وحدت عملی و همبستگی بر اساس اصول مشترک اسلامی در برابر دشمن مشترک جهان اسلام است که کیان اسلام، منابع و ذخایر کشورهای اسلامی را مورد هدف قرار داده است.

آنهايي که می‌خواهند بین اصل سنت و اصل تشیع فاصله ایجاد کنند نه سنی هستند و نه شیعه... اینها نیست جز اینکه قدرتهای بزرگی فهمیده‌اند آن چیزی که آنان را عقب زده است اسلام و وحدت مسلمین و برادری بین همه امت اسلامی است.<sup>۸</sup>

#### ۴. مبانی و مبادی مفهومی نظریه انسجام اسلامی

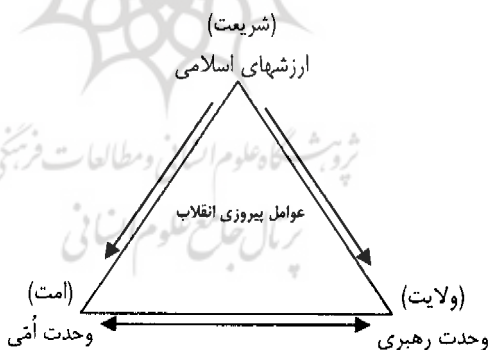
قبل از ورود به بحث، تذکار چند نکته مهم خالی از فایده نیست. نکته اول اینکه در اندیشه امام، نظریه وحدت از درون مفاهیم متضاد و متعارض قابل فهم و درک است. اندیشه امام خمینی رحمته‌الله بر خلاف نظریه بسیاری از نظریه‌پردازان مختلف، از حالت تک‌بعدی و افراطی یا تفریطی... فراتر رفته است. مثلاً اگر در فقه، عده‌ای به فقه سنتی و دیگران به فقه پویا معتقد بودند، نظریه امام «سنتی پویا» است. اگر در میدان عمل، عده‌ای به عملگرایی و عده دیگر به آرمانگرایی تمایل دارند، امام خمینی رحمته‌الله «آرمانگرایی عملگرا» است. اگر در میان گرایشهای دینی، عده‌ای عرفانی بودند و دغدغه‌شان باطن دین بود و عده‌ای دیگر به فقه و ظواهر و اخبار عنایت داشتند، امام خمینی رحمته‌الله «فقیه عارف» است. و یا اگر در سیاست و حکومت، عده‌ای بر جمهوریت و رأی مردم تأکید داشتند و عده‌ای دیگر بر اسلامیت، ایشان به «جمهوری اسلامی» تأکید می‌نمودند. در موضوع وحدت اسلامی هم اگر در جهان اسلام عده‌ای برای وحدت، پیشنهاد عدول از اصول تشیع را می‌دادند و عده‌ای دیگر به بهانه دفاع از ولایت، به اختلافات دامن

می‌زدند، امام خمینی تذت، ضمن دفاع از ولایت، منادی وحدت شیعه و سنی بود. واقعیت این است که نظریه‌پردازی در لبه دو نظریه افراطی و تفریطی و از درون تضادها بسیار دشوار و تنها کار شخصیت‌های غیر معمول، خلاق، نقاد و فعال تاریخ است که امام خمینی تذت یکی از چهره‌های شاخص آن است.<sup>۱۱</sup>

نکته دومی که به کشف مفاهیم و مؤلفه‌های وحدت کمک مؤثری می‌کند، اصول و قواعد سیاست خارجی از منظر امام خمینی تذت است. از دیدگاه ایشان این اصول عبارت‌اند از: اصل نفی سبیل و سلطه بیگانگان؛<sup>۱۲</sup> اصل دعوت و تبلیغ و صدور اسلام؛<sup>۱۳</sup> اصل تولی و تبری؛<sup>۱۴</sup> اصل پایبندی به پیمانها؛<sup>۱۵</sup> اصل تألیف قلوب؛<sup>۱۶</sup> اصل نه شرقی نه غربی؛<sup>۱۷</sup> اصل حفظ کیان اسلام؛<sup>۱۸</sup> اصل احترام متقابل؛ اصل حفظ استقلال کشورها و عدم مداخله در امور داخلی آنها و ... .

از میان اصول فوق، اصل تولی و تبری، اصل تألیف قلوب، اصل نه شرقی نه غربی و نیز اصل استقلال، به طور مستقیم و غیرمستقیم در مسئله انسجام اسلامی نقش حساسی را بازی می‌نمایند.

نکته سوم، ارکان اندیشه سیاسی امام خمینی تذت در سیاست داخلی، خارجی و جهان اسلام این ارکان است. در عرصه داخلی عبارت‌اند از: ۱. شریعت؛ ۲. ولایت؛ ۳. ملت. در واقع از منظر امام آنچه موجب پیروزی انقلاب اسلامی شده است، وحدت ارزشهای اسلامی، وحدت رهبری و وحدت اُمّی بوده‌است، کما اینکه عوامل شکست و اختلاف در نبود عناصر سه گانه فوق است.<sup>۱۹</sup>



اما در عرصه سیاست خارجی، سه مفهوم جلوه بیشتری دارند: ۱. اصل نفی سبیل و سلطه؛ ۲. اصل دعوت و صدور اسلام؛ ۳. اصل نه شرقی نه غربی.

در عرصه جهان اسلام نیز سه مفهوم کلیدی ذیل، اهمیت بسیاری دارند: ۱. اصل استقلال و آزادی؛ ۲. اصل بیداری اسلامی؛ ۳. اصل وحدت اسلامی. اکنون می‌توان به لحاظ مفهومی این سؤال مهم را طرح نمود: از منظر امام خمینی تذت کلیدی‌ترین مبانی مفهومی زمینه‌ساز نظریه

انسجام اسلامی کدام‌اند؟ برای پاسخ به سؤال فوق یک بار دیگر به کلمات و عبارات امام خمینی ره درباره وحدت و انسجام اسلامی مراجعه می‌کنیم. آنچه در برقراری انسجام اسلامی از دیدگاه ایشان محور و مبناست عبارت است از:

### الف) توحید، قرآن و نبوت

بی‌تردید سه مؤلفه فوق مبنایی‌ترین و پرمایه‌ترین عناصر معنوی انسجام اسلامی، در آرای فکری- فرهنگی امام خمینی ره است:

وحدت در قوی‌ترین و صادق‌ترین و پرمایه‌ترین و حقیقی‌ترین  
مصادیق تحقق خود، «وحدت» ذات اقدس الهی است... و بقیه مصادیق  
وحدت، جملگی با «کثرت» در آمیخته‌اند.<sup>۲۱</sup>

بعد از توجه به این نکته پایه‌ای درباره وحدت و انسجام اسلامی، باید اظهار داشت که از منظر امام خمینی ره، «مذاهب اسلامی» در عین کثرت، تضادها و دشمنیهای تاریخی، در اصول پایه‌ای و نظری، مظهر و تجلی وحدت‌اند.

از منظر امام خمینی ره وحدت مسلمانان، تجلی توحید اعتقادی آنهاست. از این رو، یکی از مقاصد بزرگ انبیا توحید کلمه و توحید عقیده بوده است که در پیشرفت مقاصد بزرگ اسلامی و تشکیل مدینه فاضله و غلبه بر دشمن بزرگ نقش تعیین کننده‌ای داشته است. در حقیقت، مقصد بزرگ انبیا جز در سایه وحدت نفوس، اتحاد و الفت جوامع اسلامی محقق نمی‌شود<sup>۲۱</sup> و لذا «از مسائل مهم سیاسی قرآن دعوت به وحدت و منع از اختلاف است.»<sup>۲۲</sup> قرآن بعد از تأکید بر «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا» می‌فرماید: «ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ربکم»<sup>۲۳</sup>

از این رو، نظریه وحدت امام خمینی ره، در چارچوب نظری وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت قابل ترسیم است. لذا مرزهای کشورهای اسلامی صرفاً کثرت جغرافیایی است:

مسلمانان باید با هم ید واحده باشند... اینها باید دست واحد باشند،  
مجتمع باشند، یکی باشند، خودشان را از هم جدا ندانند. مرزها را اسباب  
جدایی قلبها ندانند، مرزها جدا، قلبها با هم.<sup>۲۴</sup> البته سنی و شیعه در عقاید  
[خود]... آزادند... عقاید مختلف، اسباب اختلافات خارجی چرا بشود.<sup>۲۵</sup>

از این رو، «کلمه توحید و توحید کلمه»<sup>۲۶</sup> از منظر امام خمینی ره دو روی یک سکه‌اند. اگر کلمه توحید «لا اله الا الله» که روح و جان اعتقادات مسلمانان است با توحید کلمه (انسجام اسلامی) که توصیه خداوند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، ترکیب گردد، جامعه توحیدی شکل می‌گیرد و زمینه احیای مجدد تمدن اسلامی فراهم می‌گردد. از منظر امام:

منطق انبیا این است که: اشداء باید باشد بر کفار و بر کسانی که بر  
ضد بشریت هستند بین خودشان هم رحیم باشند<sup>۲۷</sup> خالقی که... به کتب  
مقدس آسمانی‌اش... طریق برخورد با مؤمنین و دوستان خود و ملحدین و

طهری

شماره ۲۴ - زمستان ۱۳۸۶

مستکبرین و دشمنان خویش را آموخته [که] «محمد رسول الله و السدین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم»<sup>۲۸</sup> ما به حبل خدا و پیامبر... چنگ زده‌ایم و جداً باید از هر آنچه غیر رضایت آنان است متنفر باشیم.<sup>۲۹</sup> شما همه، ملت اسلام و تابع پیامبر و پیرو دستورات قرآن مجید هستید.<sup>۳۰</sup>

از فقرات فوق می‌توان به خوبی استفاده کرد که مبنا و ملاک وحدت از منظر امام خمینی ره، اصل توحید و تبعیت از دستورهای قرآن و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان مهم‌ترین اصول مشترک جهان اسلام است. در واقع در سایه ترکیب اصول و مؤلفه‌های مذکور که مبین وجود مبانی نظری و اعتقادی وحدت اسلامی از یک سو و تکثر مذهبی جهان اسلام از سوی دیگر است، می‌توان وحدتی را پی‌ریزی نمود که تجلی اخوت، برادری و رحمت اسلامی در رفتار جمعی جوامع و ملل اسلامی در سطوح مختلف منطقه‌ای و زندگی اجتماعی مسلمانان باشد: باید کوشش کنید، باید کوشش کنیم که این رحمت ادامه پیدا کند... تفرقه از شیطان است و وحدت کلمه و اتحاد از رحمان است.<sup>۳۱</sup>

به همین دلیل، امام با تعجب از ندیده گرفتن این اصل بنیادین می‌فرماید:

از مرکز وحی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آنجا مردم را دعوت به اعتصاب به حبل الله و وحدت فرموده است، یک آخوند درباری صدای نفاق بر می‌دارد و فریاد نفاق‌انگیز می‌کشد.<sup>۳۲</sup>

به عبارت دیگر، از منظر امام خمینی ره اختلافات فقهی و مذهبی آن قدر مهم نیستند که از انسجام اسلامی جلوگیری کنند و موجب اختلاف شوند:

یک دسته از مسلمانان شیعه هستند و یک دسته‌ای از مسلمانان سنی، یک دسته حنفی و دسته‌ای حنبلی و دسته‌ای اخباری. اصلاً طرح این معنا، از اول درست نبود... اینها دلیل اختلاف نیست.<sup>۳۳</sup>

اشعار عرفانی امام نیز ندای وحدت را از منظر نظام توحیدی هستی تکرار می‌کند، بدان حد که حتی فریاد اناالحق منصور را نشان انیت، ثنویت و تکثر می‌داند:

بر فراز دار فریاد انا الحق می‌زنی مدعی حق طلب، انیت و انا چه شد؟  
فریاد انا الحق ره منصور بود یارب مددی که فکر راهی بکنیم<sup>۳۴</sup>

(ب) استقلال، آزادی و جمهوریهای آزاد

اگر سه مؤلفه کلیدی پیشین را مفاهیم هویت‌ساز و مبانی فکری - فرهنگی انسجام اسلامی از منظر امام خمینی ره تلقی نماییم، آن‌گاه سه مفهوم فوق را می‌توان مهم‌ترین عناصر مؤثر سیاسی - اجتماعی برای درمان تفرق و تشتت جهان اسلام فرض نمود. برای روشن شدن موضوع، این سه مفهوم در حد مجال مقاله تبیین می‌شود.

استقلال از منظر امام، به معنای عدم وابستگی،<sup>۳۵</sup> نفی سلطه و دخالت خارجی،<sup>۳۶</sup> قطع نفوذ بیگانگان،<sup>۳۷</sup> اداره مستقل مملکت<sup>۳۸</sup> و خروج از نفوذ استعمار<sup>۳۹</sup> است. از دیدگاه امام، استقلال در دو

حوزه درونی و بیرونی قابل تأمین است. استقلال در حوزه درونی پیش شرط نیل به استقلال در حوزه بیرونی است.<sup>۴۰</sup> بدین لحاظ استقلال بر دو پایه استوار است: اول: آزادی از قیود فکری و فرهنگی غرب و بازگشت به هنجارها و ارزشهای اسلامی؛ دوم: استعمارزدایی از سرزمینهای اسلامی. ایشان ابعاد دوگانه استقلال فوق را این گونه ترسیم می‌نمایند:

بزرگ‌ترین وابستگی ملتهای مستضعف به ابر قدرتها و مستکبرین، وابستگی فکری و درونی است که سایر وابستگیها از آن سرچشمه می‌گیرد و تا استقلال فکری برای ملتی حاصل نشود، استقلال در ابعاد دیگر حاصل نخواهد شد. برای به دست آوردن استقلال فکری و بیرون رفتن از زندان وابستگی، خود و مفاخر و آثار ملی و فرهنگی خود را دریابید.<sup>۴۱</sup>

فقره فوق، ضمن تأکید بر بعد خارجی استقلال، آن را مبتنی بر استقلال درونی و فکری - فرهنگی نموده است. به تعبیر دیگر، قطع نفوذ بیگانگان در اداره مستقل مملکت،<sup>۴۲</sup> نیازمند بازگشت به مفاخر فرهنگی و خویشتن خویش است که در قسمت قبلی تحت عنوان «توحید، قرآن و نبوت» ذکر نمودیم. بدین لحاظ در بعد نظری از منظر ایشان استقلال فرهنگی و طرد خودباختگی و غرب‌زدگی، مقدم بر استقلال سیاسی، طرد حاکمیت و سلطه بیگانگان است. امام این نکته لطیف و دقیق را این گونه بیان می‌کند: «تا این غریزه‌هایی که در همه جا موجودند از این مملکت نروند یا اصلاح نشوند، شما به استقلال نخواهید رسید.»<sup>۴۳</sup> نکته مهم دیگری که در فهم استقلال از منظر امام اهمیت جدی دارد، نسبت مفهوم استقلال از دیدگاه ایشان است. بدین معنا که در جهان امروز نه می‌توان به نفی مطلق استقلال قائل بود و نه در تحقق استقلال اظهار تردید کرد. در حقیقت استقلال حقیقی، مفهومی چند بعدی است که تحقق همه آنها تقریباً غیر ممکن است، چون کسب استقلال کاملاً در همه حوزه‌های گوناگون فرهنگی، ارتباطی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و... بسیار دشوار می‌نماید.<sup>۴۴</sup> ایشان مطلب فوق را این گونه بیان می‌کنند:

استقلال فکری، استقلال روحی ما را از دستمان گرفتند، این بدتر از آن استقلال‌گرفتنی بود که کشور ما استقلال نداشت، ... زیرا بر خلاف وابستگی اقتصادی، نظامی وابستگی فکری بسیار غیرقابل جبران است، زیرا فکر می‌کنیم که خودمان چیزی نداریم.<sup>۴۵</sup>

لذا از منظر امام خمینی ره راهکار انزوایی به منظور کسب استقلال در ابعاد گوناگون مردود است، چون این راهکار منجر به قطع ارتباط با دنیای خارج و دور شدن از واقعیات و الزامات زندگی است. ایشان این مطلب را این گونه بیان می‌نمایند:

ما نمی‌خواهیم در یک کشوری زندگی کنیم که از دنیا منعزل باشد... این غیر معقول است. امروز دنیا مانند یک عایله و یک شهر است... وقتی دنیا وضعیت این طور است ما نباید منعزل باشیم... اسلام یک نظام اجتماعی و حکومتی است و می‌خواهد با همه عالم روابط داشته باشد.<sup>۴۶</sup>

طهر

سال نهم - شماره ۲۴ - زمستان ۱۳۸۶

۱۰۲



مفهوم دوم و سوم، آزادی و جمهوریهای آزاد است. اصولاً بحث از آزادی در بعد داخلی دولتها قابل طرح و ارزیابی است. اهمیت این مسئله از آن جهت قابل توجه است که دولتهای سرزمینی، ارکان اساسی «دولت بزرگ اسلامی» را تشکیل داده و نقش محوری در شکل دهی و پیشبرد اهداف و برنامه‌های آن را به عهده می‌گیرند. بدین لحاظ «دولت بزرگ اسلامی» متشکل از «جمهوریهای آزاد اسلامی» هستند که پیام‌آور دولتهای مردمی و غیر استبدادی‌اند. چون رژیمهای استبدادی ماهیتاً با منافع مردمی سازگاری ندارند و عمدتاً در مسیر اهداف بیگانگان عمل می‌نمایند:<sup>۴۷</sup>

اگر انشاء الله آن وحدت بین مسلمانان دولتهای کشورهای اسلامی که خداوند تعالی، رسول عظیم‌الشان خواسته‌اند و امر به آن و اهتمام در آن فرموده‌اند، حاصل شود، دولتهای کشورهای اسلامی با پشتیبانی ملتها می‌توانند... بزرگ‌ترین قدرت را در جهان به دست آورند... و از ننگ خضوع در برابر ابرقدرتها نجات یابند و شیرینی استقلال و آزادی را بچشند و برای به دست آوردن چنین قدرتی لازم است هر یک از دولتها با تفاهم با ملت خود برای دفاع از کشورشان یک چنین طرح حیات‌بخشی را در دست مطالعه قرار دهند.<sup>۴۸</sup>

بنابراین، در اندیشه سیاست خارجی و همبستگی دولتهای اسلامی، سه مفهوم «آزادی» افراد مسلمان، «استقلال» از نفوذ بیگانگان و «کنفدراسیون اسلامی» در ساختاری مرتبط به هم هستند که هرگونه خلل در یکی موجب خلل در هویت تمدنی و جمعی مسلمانان است، چرا که «اول مرتبه تمدن، آزادی ملت است.»<sup>۴۹</sup> بدین لحاظ «دولت اسلامی یک دولت دموکراتیک به معنای واقعی است.»<sup>۵۰</sup> «در اسلام دموکراسی مندرج است و مردم آزادند در اسلام.»<sup>۵۱</sup> از منظر امام خمینی ره، وجود دولتهای وابسته و استبدادی مانع اصلی در وحدت و انسجام اسلامی است و لذا «براندازی طاغوت به معنی قدرتهای ناروایی که در سراسر وطن اسلامی برقرار است وظیفه همه ماست.»<sup>۵۲</sup>

امام خمینی ره به خوبی دریافته بود که احیای تمدن اسلامی و تشکیل دولت بزرگ اسلامی، بدون همیاری مردم و حکومت‌های اسلامی ممکن نیست و این مسئله محقق نمی‌شود مگر اینکه رژیمهای غیر مردمی و وابسته، به لحاظ مشارکتی شدن متحول شوند:

ما می‌خواهیم که همه ممالک اسلامی اولاً در محیطی که خودشان به حسب حکم اسلام بین حکومت و بین مردم مخالفت نباشد و همه با هم باشند.<sup>۵۳</sup> دولتها بیایند قبل از اینکه خود ملتها قیام بکنند، خود دولتها بیایند خاضع بشوند، با هم دوست بشوند.<sup>۵۴</sup>

با توجه به مطالب پیش گفته، می‌توان این جمله امام خمینی ره را بیشتر درک نمود:

وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان این است که... در زیر پرچم پر افتخار اسلام مجتمع... و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوریهای آزاد و مستقلی به پیش روید.<sup>۵۵</sup>

### ج) بیداری اسلامی مردم و مسئولیت نخبگان مسلمان

سومین راهبرد امام خمینی تقدس برای خروج از انحطاط و احیای عظمت گذشته اسلامی در پرتو انسجام اسلامی، تحول درونی در سطح ملتها، علما و روشنفکران جامعه اسلامی است. در واقع اگر دسته اول مفاهیم پیشین را مفاهیم معنوی و اصول مشترک دین<sup>۵۶</sup> فرض کنیم و دسته دوم مفاهیم پیشین را مفاهیم سیاسی و حکومتی انسجام اسلامی تصور نماییم، بیداری اسلامی و حضور فعال نخبگان دنیای اسلام را می‌توان مهم‌ترین عامل جامعه‌شناختی وحدت اسلامی به شمار آورد.

امام خمینی تقدس برای توضیح این مسئله از واژه‌هایی نظیر «تحول درونی»، «بیداری قلبی»، «بازگشت به هویت اصیل»<sup>۵۷</sup> و «آگاهی توده‌های مردمی» بهره می‌جویند که اساس آن بازگشت به تعالیم اسلام ناب محمدی است.<sup>۵۸</sup>

وظیفه ما این است که از حالا برای پایه‌ریزی یک دولت حقه اسلامی کوشش کنیم، تعلیمات بدهیم، همفکر بسازیم، یک موج تبلیغاتی و فکری به وجود آوریم تا یک جریانی اجتماعی پدید آید و کم‌کم توده‌های آگاه، وظیفه‌شناس و دیندار در نهضت اسلامی متشکل شده قیام کنند و حکومت اسلامی تشکیل دهند. تبلیغات و تعلیمات دو فعالیت مهم و اساسی ماست.<sup>۵۹</sup>

بر اساس آموزه فوق، مهم‌ترین راهبرد مبارزاتی در جهت بسترسازی تأسیس دولت بزرگ اسلامی، تعلیم و تربیت و نهضت فکری فرهنگی است.

چرا که وضعیت نابهنجار کنونی جهان اسلام معلول عوامل گوناگونی مانند انحطاط فکری و اعتقادی مسلمانان و سلطه قدرتهای استعماری و رژیمهای استبدادی بر آن است که در جهت مسخ هویت واقعی امت اسلامی و نیز غارت منابع زیرزمینی آنها گام بر می‌دارند.<sup>۶۰</sup>

از منظر ایشان، بازگشت به هویت اصیل خود، بدون تعلیم و تبلیغ اسلام ناب توسط نخبگان مسلمان و بیداری توده مردم ممکن نیست. بدین لحاظ مهم‌ترین مسئولیت نخبگان مسلمان تفسیر درست اسلام است: «علمای اسلام وظیفه دارند از احکام مسلمانه اسلام دفاع کنند، از استقلال ممالک اسلامی پشتیبانی نمایند، از ستمکارها و ظلمها اظهار تنفر کنند».<sup>۶۱</sup>

از این رو، نخبگان دینی و روشنفکران اسلامی عهده‌دار مسئولیت سنگین دفاع از اسلام ناب، استقلال، آزادی و خلق باورهای مشترک وحدت‌بخش، جهت تحقق عینی کنفدراسیون حکومتی و انسجام اسلامی‌اند:

طهری

وظیفه علمای اسلام است، وظیفه دانشمندان مسلمانان است، وظیفه نویسندگان و گویندگان طبقات مسلمانان است... که هشدار بدهند به ممالک اسلامی که ما خودمان فرهنگ غنی داریم... مسلمانها باید خودشان را پیدا کنند.<sup>۶۲</sup>

امام خمینی رحمته الله علیه برای دستیابی به بیداری مردمی، راهکارهای متعددی از جمله حج ابراهیمی و روز جهانی قدس را به نخبگان دینی توصیه می‌نماید:

من از عموم مسلمانان جهان و دولتهای اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن با هم بیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که ایام قدر است و می‌تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان «روز قدس» انتخاب، و طی مراسمی همبستگی بین‌المللی مسلمانان را... اعلام نمایند.<sup>۶۳</sup>

ایشان در مورد نقش حساس علمای بیدار اسلام در ایام حج این چنین بیان داشتند: لازم است که متعهدان و بیداران و دلسوزان برای غربت اسلام... با قلم و بیان و گفتار و نوشتار به کوشش برخیزند خصوصاً در ایام مراسم حج که پس از این مراسم عظیم، انسانها می‌توانند در شهر و دیار خود با توجه به این بعد عظیم، مسلمانان و مظلومان جهان را بیدار... و مسائل اساسی اسلام و مسلمانان را [طرح نمایند].<sup>۶۴</sup>

علمای اعلام و خطبای معظم، مسلمانان را به جهات سیاسی و وظایف بسیار خطیرشان آگاه سازند؛ وظایف خطیری که اگر مسلمانان جهان به گوشه‌ای از آن توجه کرده و عمل کنند، عزتی که خداوند برای مؤمنین قرار داده است باز یابند.<sup>۶۵</sup>

## ۵. مدل انسجام اسلامی

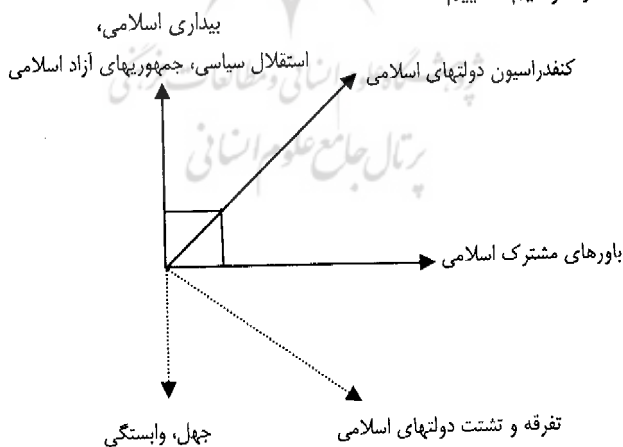
از مجموع مباحث مفهومی پیشین چند نکته مهم، برای مدل‌یابی اندیشه انسجام اسلامی از منظر امام خمینی رحمته الله علیه، قابل درک است.

نکته اول در نظریه انسجام اسلامی امام، در واقع یک معادله چند مجهولی را به تصویر می‌کشد که در نهایت به تعبیر خودشان به یک «دولت بزرگ اسلامی با جمهوریهای آزاد و مستقل»<sup>۶۶</sup> منتهی خواهد شد. اولین معادله، توجه عالمانه به مهم‌ترین اصول اعتقادی مشترک (توحید، نبوت، معاد و قرآن) فرق و مذاهب اسلامی است. در حقیقت اگر این معادله که در سطح معنوی و اعتقادی - فرهنگی مطرح است، حل شود، شرایط روحی و باورهای دینی - اعتقادی وحدت نقش حساس خود را باز خواهد یافت.

دومین نکته حائز اهمیت در ترسیم الگوی انسجام اسلامی امام خمینی رحمته الله علیه، به پدیده مخرب استعمار در تاریخ معاصر جهان اسلام مرتبط می‌شود. معادله استعمار که در مراحل مختلف

و به تناسب شرایط زمانی تاکنون چهره‌های متفاوتی (استعمار قدیم، استعمار نو و فرا استعمار) به خود گرفته، از منظر امام مهم‌ترین مانع خارجی وحدت و انسجام اسلامی دینی اسلام است. در حقیقت مهم‌ترین کارویژه قدرتهای استعماری، نابودی استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای اسلامی و نیز تبدیل حکومتها و جمهوریهای آزاد و مستقل اسلامی به حکومتهای وابسته، استبدادی و فاقد مقبولیت مردمی بوده است. بدین لحاظ دومین مجهول معادله، به جنبه سیاسی - اجتماعی انسجام مرتبط است. به تعبیر دیگر، تا در سطح دولتها و حیات حاکمه سیاسی کشورهای اسلامی، عزم استقلال و اتکا به قدرت عظیم مردمی ایجاد نشود، جمهوریهای آزاد اسلامی که نقطه عزیمت دولت بزرگی اسلامی (کنفدراسیون اسلامی) است محقق نمی‌گردد. در همین عرصه، مفهوم آزادی که امام خمینی ره همواره آن را در کنار استقلال و جمهوری اسلامی مطرح می‌نمودند، جایگاهی معنادار در منطق درونی نظریه انسجام اسلامی.

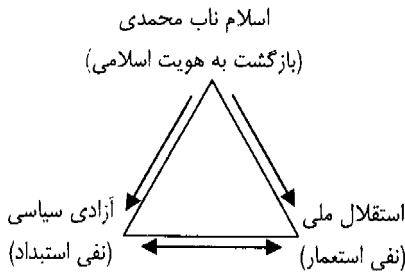
سومین نکته و معادله، جهت تحقق انسجام اسلامی، به قدرت اجتماعی و جامعه مدنی بر می‌گردد. از منظر امام خمینی ره، بدون حضور آگاهانه مردم در صحنه زندگی اجتماعی، وفاق اجتماعی و تأسیس جمهوریهای آزاد اسلامی در سطح جهان اسلام، محقق نمی‌گردد. در واقع مسیر تحولات و تغییرات اجتماعی از کانال تحولات درونی و بیداری اسلامی - سیاسی توسط علمای بیدار و دلسوز مسلمان می‌گذرد. لذا فریادهای مکرر آن فقید فقیه به علماء، اندیشمندان، دانشگاهیان و حوزویان جهت بیداری و اینکه به «داد اسلام برسید»، همگی در همین زمینه قابل تفسیر است. اکنون وقت آن رسیده که مطالب فوق را روی یک نمودار نشان دهیم و الگوی پیش گفته را ترسیم نماییم.



طهرانی

چنان که در نمودار فوق نشان داده شده است، برای رسیدن به انسجام اسلامی باید سه معادله و مسئله حل شود. برای این سه مسئله، نیازمند سه کلید واژه مهم هستیم. ابتدا بازگشت به اصول مشترک اسلامی (آگاهی دینی)، سپس نفی وابستگی و استعمار خارجی (استقلال ملی) و بالاخره ایجاد پیوند مردمی - اسلامی بین حکومت و مردم در کشورهای اسلامی (آزادی سیاسی).

مطالب فوق را می‌توان بر روی مثلث سه بعدی ذیل بازسازی نمود:



از نظر امام خمینی ره استعداد و همبستگی در ارزشهای اسلامی در کنار بیداری اسلامی جوامع اسلامی از یک سو و نیز بازگشت دولتهای اسلامی به استقلال در کنار آزادی سیاسی مردم از سوی دیگر، شیوه‌ای را شکل می‌دهند که امکان وصول به انسجام اسلامی، در سطح جهان اسلام را فراهم می‌نماید. چنان که در نمودار نشان داده شد، «کنفدراسیون دولتهای اسلامی» از میان دو دسته مفاهیم مهم اعتقادی - فرهنگی و سیاسی - اجتماعی می‌گذرد. تزلزلی در هر کدام از ارکان موجب تزلزل در انسجام اسلامی خواهد شد. لذا در نمودار بالا، بردار انسجام اسلامی دقیقاً از وسط مبانی و مبادی پیش‌گفته می‌گذرد. در حقیقت اگر شاخصها و مؤلفه‌های فوق در مکانیزمی معنادار به نقطه تعادل نرسد، نقطه جوش انسجام کشورهای اسلامی نیز به وجود نخواهد آمد.

تمسک به باورهای مشترک دینی ← بیداری اسلامی و سیاسی ← استقلال سیاسی (جمهوریهای آزاد و مستقل) ← دولت بزرگ اسلامی (کنفدراسیون جماهیر اسلامی) ← تمدن اسلامی (احیای مجدد تمدن اسلامی)

بنابراین، از منظر امام خمینی ره، کما اینکه تأسیس جمهوری اسلامی داخل سرزمینی بر اساس سه رکن شریعت، ولایت (رهبری واجد شرایط) و ملت بیدار استوار است، تأسیس دولت بزرگ اسلامی بر پایه سه رکن اسلام، جمهوریهای مستقل آزاد و بیداری مردم و نخبگان مسلمان استوار خواهد بود.

## پی نوشتها:

۱. دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص ۲۰۸۴.
۲. همان، ص ۲۰۸۱۵.
۳. چلبی، مسعود، «وفاق اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳، بهار ۱۳۷۲، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۷.
۴. مجله اندیشه تهریب، سال اول، ش ۲، بهار ۸۴، ص ۲۲.
۵. شریف حیدری، محمد، «موانع وحدت اسلامی در افغانستان»، مجله بگاہ اندیشه، سال اول، شماره ۱، پاییز ۸۶، ص ۷۸.
۶. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۶۰.
۷. همان، ج ۲۰، ص ۳۳.
۸. همان، ج ۱۵، ص ۱۷۰.
۹. بابایی زارچ، علی محمد، امت و ملت در اندیشه امام خمینی ره، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۸.
۱۰. تبیان، وحدت از دیدگاه امام خمینی ره، دفتر ۱۵، ص ۲۱۷.
۱۱. برای آگاهی بیشتر مراجعه کنید به: منصورنژاد، محمد، «احیای گری امام بر مبنای نظریه وحدت از درون تضادها»، مجموعه مقالات، جلد اول، کنگره بین المللی احیای تفکر، خرداد ۱۳۷۶، ص ۴۵۴.
۱۲. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۶۶.
۱۳. همان، ج ۱۸، ص ۱۴۳؛ ج ۱۵، ص ۱۹۹؛ ج ۱۸، ص ۱۳۲.
۱۴. همان، ج ۲، ص ۱۷-۲۱؛ ج ۲۱، ص ۲۰۶-۱۶۹.
۱۵. همان، ج ۳، ص ۲۷۳-۲۷۷؛ ج ۲۱، ص ۱۹۶.
۱۶. همان، ج ۱۱، ص ۲۶۵-۲۶۶. ج ۱۲، ص ۱۹-۲۴.
۱۷. همان، ج ۴، ص ۱۹۵؛ ج ۱۲، ص ۱۲۲.
۱۸. همان، ج ۱، ص ۸۴؛ ج ۱۳، ص ۴۴.
۱۹. مقیمی، غلام حسن، تشریح هدی، مدرسه علمیه بنت الهدی، شماره اول، بهار ۱۳۸۶.
۲۰. حاجتی کرمانی، محمد جواد، «وحدت از دیدگاه عرفانی- فلسفی و سیاسی امام خمینی ره»، فصلنامه حضور، شماره ۲۳، بهار ۱۳۷۷، ص ۸۵.
۲۱. امام خمینی ره، چهل حدیث، ص ۳۰۹-۳۱۱.
۲۲. صحیفه نور، ج ۱۶، پیشین، ص ۳۷.
۲۳. همان، ص ۳۹.
۲۴. همان، ج ۱۰، ص ۲۲۳.
۲۵. همان، ج ۲۰، ص ۳۳.
۲۶. همان، ج ۱۸، ص ۸۸.
۲۷. همان، ج ۱۹، ص ۱۹۶.

طرح

۲۸. همان، ج ۲۰، ص ۱۰۹.
۲۹. همان، ج ۲۱، ص ۸.
۳۰. همان، ج ۱۹، ص ۲۷۲.
۳۱. همان، ج ۱۷، ص ۱۸.
۳۲. همان، ج ۱۵، ص ۲۶۳.
۳۳. همان، ج ۱۲، ص ۲۵۹.
۳۴. فوزی توپسرکانی، یحیی، «راهبرد ایجاد وحدت در اندیشه امام خمینی **تکثر**»، **کیهان فرهنگی**، شماره ۱۵۷، ص ۱۷.
۳۵. **صحیفه نور**، ج ۵، ص ۴۹۰.
۳۶. **تبیان، وحدت از دیدگاه امام خمینی **تکثر****، دفتر ۱۵، ص ۱۹۵.
۳۷. **صحیفه نور**، ج ۲۱، ص ۲۸۲.
۳۸. همان، ج ۵، ص ۱۶.
۳۹. همان، ج ۲، ص ۴۶۰.
۴۰. عارفی، محمد اکرم، «**راهکار وحدت سیاسی جهان اسلام در اندیشه امام خمینی **تکثر****»، **فصلنامه معرفت**، شماره ۱۳، ص ۷۹.
۴۱. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر اول، امیر کبیر، ۱۳۶۲، ص ۱۸۶.
۴۲. **صحیفه نور**، ج ۵، ص ۱۶.
۴۳. همان، ج ۱۰، ص ۲۹۱.
۴۴. جمشیدی، محمد حسین، **اندیشه سیاسی امام خمینی **تکثر****، تهران، پژوهشکده امام خمینی **تکثر** و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۴۵۶-۴۵۷.
۴۵. در جستجوی راه از کلام امام، پیشین، دفتر ۲۲، ص ۱۱۹.
۴۶. **صحیفه امام**، ج ۱۹، ص ۴۱۳.
۴۷. عارفی، پیشین، ص ۸۰.
۴۸. امام خمینی **تکثر**، **صحیفه نور**، ج ۱۸، ص ۹۲.
۴۹. همان، ج ۱۱، ص ۴۲.
۵۰. همان، ج ۴، ص ۱۴۱.
۵۱. همان، ج ۴، ص ۲۳۴.
۵۲. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر ۱۵، ص ۱۳۹.
۵۳. **تبیان**، ج ۱۵، ص ۱۸۱.
۵۴. **صحیفه نور**، ج ۱۸، ص ۱۹۵.
۵۵. وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی **تکثر**، مؤسسه فرهنگی رجاء، ۱۳۶۹، ص ۸۷.
۵۶. **صحیفه نور**، ج ۱۷، ص ۷۷.

۵۷. عارفی، پیشین، ص ۷۸.

۵۸. حمیدی، نعیم، راهبرد اتحاد ملی و انسجام با نگاهی به اندیشه‌های امام خمینی *تکذ*، کیهان، ۱۳۸۶/۰۳/۱۷.

۵۹. امام خمینی *تکذ*، ولایت فقیه، امیرکبیر، ۱۳۵۷، ص ۱۷۵.

۶۰. عارفی، پیشین، ص ۷۸.

۶۱. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر ۱۴، پیشین، ص ۳۴۰.

۶۲. همان، دفتر ۱۵، ص ۲۱۵.

۶۳. صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۲۹.

۶۴. همان، ج ۱۹، ص ۴۳.

۶۵. همان، ج ۱۵، ص ۱۲۳.

۶۶. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۹۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

طهری

سال ششم - شماره ۲۴ - زمستان ۱۳۸۶